

حاشیه‌نشینی و امنیت کلان‌شهر تهران

دکتر سیدابراهیم قلی‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۸/۵

فصلنامه آفاق امنیت/ سال سوم / شماره هشتم - پاییز ۱۳۸۹

چکیده

حاشیه‌نشینی یکی از چالش‌های جدی جهان در قرن بیست و یکم است. در ایران نیز طبق آمار، بیش از یک‌دهم جمعیت در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند و شمار زیادی از آنها در کلان‌شهر تهران سکونت دارند. حاشیه‌نشینان که غالباً مهاجران روستایی کم‌بضاعت هستند، بیشتر در زمین‌های پست و کم‌بهای اطراف شهر به صورت غیررسمی اسکان یافته‌اند. این نوع سکونت فاقد هر نوع استاندارد زندگی است، به همین علت، مسائل و مشکلات زیادی به وجود آورده است که به خصوص مسائل امنیتی آن اهمیت فراوانی دارد. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به سؤال اصلی تحقیق است که «وضعیت حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر تهران چگونه است و چه تأثیری روی امنیت آن دارد؟» با استفاده از چارچوب نظری برگرفته از رهیافت‌های محرومیت نسبی و انتظارات-رضایتمندی، سؤال اصلی به آزمون گذاشته شد. یافته‌های تحقیق مبتنی بر اسناد، مدارک و شواهد مشخص کرد به رغم برخی اقدامات مقطعی، حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر تهران رو به گسترش است و با وجود اینکه نسل اول شرایط زندگی در این مناطق را قبول کرده‌اند، نسل دوم که خود را متولد تهران می‌دانند، در مقایسه زندگی خود با گروه مرجع (شهروندان تهرانی) دچار محرومیت نسبی شده‌اند و برای جبران آن راه‌های قانونی و رسمی را دشوار یا مسدود یافته به کارهای غیرقانونی و هنجارشکن روی آورده‌اند که نتیجه آن ناامنی‌های بسیار برای حاشیه‌نشینان، شهروندان تهرانی و دولت است.

واژگان کلیدی:

حاشیه‌نشینی، کلان‌شهر، امنیت، محرومیت نسبی، انتظارات-رضایتمندی

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)



مقدمه

بر اساس مطالعات سازمان ملل، «حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی چالش اصلی هزاره سوم خواهد بود» چون دامنه آن هر روز بیش از گذشته گسترش می‌یابد. طبق برآوردهای این سازمان، در سال ۲۰۰۱ حدود ۹۲۰ میلیون نفر حاشیه‌نشین در جهان زندگی می‌کردند که در سال ۲۰۲۰ تعدادشان به ۱/۴ میلیارد نفر خواهد رسید. از کل جمعیت حاشیه‌نشین جهان حدود ۶ درصد متعلق به کشورهای توسعه‌یافته و بقیه متعلق به کشورهای در حال توسعه‌اند. از این تعداد، حدود ۴۵ میلیون نفر در غرب آسیا سکونت دارند که با نرخ رشد ۲/۳ درصدی در سال ۲۰۲۰ به ۷۵ میلیون نفر خواهند رسید. (تدبیر، ۱۳۸۳: ش ۱۵۲) اگرچه وضع ایران در مقایسه با سایر کشورهای آسیای غربی در زمینه حاشیه‌نشینی بدتر نیست، طبق آمار و ارقام، حدود ۸ میلیون نفر در حاشیه شهرهای کشور زندگی می‌کنند که با اشتغال ناقص و بیکاری حاد و انتظارات جدید و امکانات محدود مواجه هستند. اغلب آنها در مقایسه خود با سایر شهروندان، احساس محرومیت نسبی می‌کنند. چون دستیابی به خواسته‌های نوظهور خود را با داشته‌هایشان به روش مشروع و قانونی غیرممکن می‌دانند، مستعد هنجارشکنی و گرایش به سوی جرم و تبهکاری هستند.

با اینکه تهران به عنوان پرجمعیت‌ترین شهر و پایتخت کشور از گذشته مورد توجه حاشیه‌نشینان بوده است، با اعمال مدیریت‌های سلیقه‌ای روز به روز ابعاد آن رو به گسترش و پیامدهای منفی آن رو به رشد است. به رغم مطالعات محققان در این زمینه طی سال‌های گذشته، هنوز بسیاری از ابعاد پیچیده آن مبهم و پیامدهای آن به ویژه پیامدهای امنیتی آن مجهول مانده است. در این مطالعه با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی ضمن تبیین چگونگی این پدیده در کلان‌شهر تهران به بررسی پیامدهای امنیتی آن می‌پردازیم. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش «چگونگی وضعیت حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر تهران و تأثیر آن روی امنیت آن است.»

مبانی مفهومی- نظری موضوع

در این مطالعه با سه مفهوم اصلی کلان‌شهر، حاشیه‌نشینی و امنیت مواجه هستیم که قبل از هر چیز مشخص کردن تعریف مد نظر این مطالعه از هر یک از این واژگان از اهمیت زیادی برخوردار است.

کلان‌شهر^۱ به منطقه وسیعی گفته می‌شود که بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد و دارای بیش از یک مادرشهر (متروپلیتن) است. وقتی حومه‌ها و شهرک‌های یک

1. Megalopolis



مادرشهر، در نتیجه توسعه وسایل ارتباطی و افزایش سرعت وسایل نقلیه، با حومه‌ها و شهرک‌های مادرشهرهای دیگر پیوند می‌خورد و از پیوند آنها بافتی زنجیری از مادرشهرها و شهرها به صورت وسیع‌ترین شکل شهری تشکیل می‌شود، در اصطلاح جغرافیایی به آن «مگالاپلیس» یا کلان‌شهر می‌گویند. (شکوئی، ۱۳۷۳: ۱۰۸) هم‌چنین می‌توان گفت کلان‌شهر به قلمرو کالبدی- فضایی و حوزه نفوذ مستقیم یک مادرشهر بزرگ اطلاق می‌شود که با کانون‌های متعدد و مهم جمعیتی و فعالیتی دیگر، همبستگی اقتصادی- اجتماعی و ارتباطات مستقیم دارد. (پاپلی یزدی و رجبی‌سنجرودی، ۱۳۸۲: ۵۴) با این تعاریف، تهران یک کلان‌شهر محسوب می‌شود.

حاشیه‌نشینی نیز اصطلاحی است که به محله‌های مسکونی غیرمتعارف اطلاق می‌شود. این پدیده با نام‌های محلی مختلف شناخته می‌شود، از جمله فیولاس در برزیل، گنجه‌گوندو در ترکیه و بیدونویلز در بخش‌هایی از آفریقای شمالی. در زبان انگلیسی نیز ردیفی از اصطلاحات عمدتاً نارسا که برای پوشش دادن ماهیت چنین سرپناهی طرح شده، انتشار یافته است. نمونه‌هایی از این اصطلاحات عبارت‌اند از: موقتی، کنترل‌نشده و خود به خودی (دراکاکیس، ۱۳۷۷: ۲۱) تعریف حاشیه‌نشینی بین متخصصان علوم مختلف از گوناگونی زیادی برخوردار است و به تنوع و تفاوت پارامترها و عناصر آن بستگی دارد (Hari, 2004: 1) که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود:

مفهوم حاشیه‌نشینی به موقعیتی نابرابر اطلاق می‌گردد که در آن طبقات مسلط اقتصادی- سیاسی به طور منظم و مداوم، گروه‌ها و طبقات تحت حاکمیت خود را از برخورداری منابع و منافع و امتیازات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محروم می‌دارند. (حاتمی، ۱۳۸۷: ش ۷۲)

مفهوم حاشیه‌نشین به معنای اعم، شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند، ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه‌های شهر و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار کشانده است و اکثر آنها مهاجران روستایی هستند که به منظور گذران بهتر زندگی، راهی شهرها شده‌اند. (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۵)

معمولاً حاشیه‌نشینان متشکل از کسانی هستند که در شهرها زندگی می‌کنند، اما به عنوان یک شهروند از امکانات و خدمات شهری بهره نمی‌برند. این افراد با وجودی که در دل یا حاشیه شهرها جای دارند، فرهنگ روستایی خود را هم‌چنان حفظ کرده‌اند، در عین حال، خود را شهری می‌دانند. (ربانی، ۱۳۸۵: ۲۳) به بیان دیگر، خانواده‌های تهیدست غالباً مهاجر که به تعبیر اسکار لویس^۱، در نوعی فرهنگ

1. Oscar Lewis



فقر زندگی می‌کنند و «به طور کامل جذب شیوه جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه آن به زندگی ادامه می‌دهند».

سیمون چپمن چند ویژگی برای مناطق حاشیه‌نشین به شرح زیر برمی‌شمارد:

۱. عموماً غیرقانونی هستند.
 ۲. غالباً خلق الساعه هستند و از مواد و مصالح مختلف ساخته شده‌اند.
 ۳. معمولاً به وسیله خود ساکنان احداث شده‌اند.
 ۴. فاقد خدمات شهری مانند راه آسفالته، برق و سیستم دفع فاضلاب هستند.
 ۵. توسعه آنها بدون برنامه‌ریزی و اغلب به صورت اتفاقی انجام می‌گیرد.
 ۶. مکان‌گزینی آنها اغلب در لبه‌های شهری، حواشی خطوط راه‌آهن و بزرگراه‌ها یا زمین‌های خالی از سکنه‌ای است که در مجاورت مرکزی شهرها قرار دارند.
 ۷. معمولاً در مناطق نامناسب شهری (مانند زمین‌های ناهموار، حواشی کارخانجات، در مجاورت زمین‌های رهاشده و بلااستفاده) تشکیل می‌شوند. (حاتمی‌نژاد، ماهنامه شهرداری‌ها، ش ۵۰)
- با توجه به تعاریف مذکور و ادبیات موضوع می‌توان حاشیه‌نشینی را چنین تعریف کرد: «پدیده‌ای غیررسمی که از مهاجرت روستاییان کم‌بضاعت و شهروندان رانده‌شده روی اراضی پست و ارزان‌قیمت با کاربری غیرمسکونی پیرامون شکل گرفته و در فرآیند زمان قادر به جذب در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهر نشده است.»

در ارتباط با امنیت نیز می‌توان گفت ریشه لغوی آن از زبان عربی گرفته شده و در زبان فارسی متداول شده است و تقریباً با مفهوم یکسانی مورد استفاده فارسی‌زبانان قرار می‌گیرد. امنیت از کلمه «امن» می‌آید که واژه‌های «آرامش یافتن»، «بیمناک بودن» و «نترسیدن» را متبلور می‌سازد و در مفهوم مصدری از «الامن» به عنوان دستیابی به اطمینان و آرامش پس از رهایی از ترس به کار می‌رود. در فرهنگ معین نیز امنیت به معنای «ایمن شدن»، «در امان بودن» و «بی‌بیمی» تعریف شده است. (معین، ۱۳۶۰: ۱۵۷) از بین تعاریف مختلف امنیت، تعریف زیر پذیرش عمومی بیشتری یافته است: «امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مذکور مورد حمله قرار گیرد.» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲)

در خصوص علل و عوامل مؤثر در پیدایش حاشیه‌نشینی و چگونگی آن دیدگاه‌ها و نظریات متعددی ارائه شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود: نظریه بومی‌شناسی مکتب شیکاگو که به تحلیل سکونتگاه‌های نامتعارف بر اساس چهار متغیر ویژگی‌های جمعیت، سازمان اجتماعی، محیط طبیعی و سطح فناوری می‌پردازد؛ (پاپلی یزدی، ۱۳۸۳: ۲۷۹) دیدگاه رابرت ارک درباره شکل‌گیری مناطق



مسکونی ارزان‌قیمت بر اثر حومه‌نشینی برای مهاجران؛ (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۲۸) قوانین مهاجرت شهر؛ (اوبرای، ۱۳۷۰: ۷۰) نظریه مهاجرتی «لی و مایکل تودارو» در ارتباط با جاذبه‌ها و دافعه‌هایی که در نگهداشت فرد یا ترغیب وی به مهاجرت تأثیرگذارند؛ (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۷۰: ۶۴) نظریات مارشال کلینارد و کلود در مورد تغییر در نحوه استفاده از زمین و کمبود مسکن در مناطق حاشیه‌نشین؛ (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۱۶) دیدگاه پل میدوز و افراین میزروچی که عامل اصلی حاشیه‌نشینی را مهاجرت و مهاجرت را نتیجه عدم توازن نابرابری روستا و شهر می‌دانند؛ (خوب آیند، ۱۳۸۴: ۴۸) مکتب وابستگی و نظریه‌پردازان آن مانند فرانک و کاستل که به نظر آنها، تغییرات ساختاری در کشورهای جهان سوم موجب تشدید فقر و حاشیه‌نشینی می‌شود؛ (حسینی، ۱۳۸۴: ۷۶) دیدگاه زاهد زاهدانی که علت اصلی تفاوت زندگی شهری و روستایی و حاشیه‌نشینان را در نحوه سکونت و شیوه زندگی آنان می‌داند که خود ناشی از وجود و توزیع دسترسی نابرابر به امکانات موجود در جامعه و روابط ناعادلانه اجتماعی است؛ (زاهد زاهدانی، ۲۵) نظریه نحوه استفاده از اراضی شهری؛ در این نظریه شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می‌گیرد، نتیجه رقابت گروه‌های مختلف شهری برای احراز موقعیت شهر به شکل رقابتی است. در این صورت، بازندگان این رقابت در بازی با طبقه ثروتمند، نواحی پست ارزان‌قیمت را برای سکونت انتخاب می‌کنند و در نتیجه به ظهور پدیده‌هایی نظیر زاغه‌نشینی، حاشیه‌نشینی، حلبی‌آباد و... دامن می‌زنند. (هاروی، ۱۳۷۰) نظریه مرکز-پیرامون به خوبی فرآیند شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای را در نتیجه بهره‌کشی ناعادلانه هسته شهری نشان می‌دهد. در این نظریه، هسته مرکزی شهر به دلیل عامل سلطه بر پیرامونش که خود از انباشت سرمایه در درون و عدم سرمایه‌گذاری در بیرون حاصل می‌شود، دائماً خود را تقویت می‌کند و ناحیه بیرونی خود را از توسعه فیزیکی و انسانی باز می‌دارد. (فریدمن، ۱۳۶۳)

اگرچه هر یک از این نظریه‌ها به عوامل متعددی در خصوص شکل‌گیری و گسترش حاشیه‌نشینی اشاره کرده‌اند، هیچ‌یک بر مبنای حاشیه‌نشینی و امنیت شکل نگرفته‌اند. بنابراین برای بررسی و تبیین این مسئله باید در پی چارچوب نظری دیگری بود که می‌توان این چارچوب را بر اساس دو رهیافت ذیل ایجاد کرد:

۱. رهیافت محرومیت نسبی

مفهوم محرومیت نسبی را اولین بار در دهه ۱۹۴۰، نویسندگان کتاب سرباز آمریکایی به کار بردند. آنها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده می‌کنند که فاقد منزلت یا شرایطی است که به اعتقاد خویش باید

داشته باشد. معیار چنین شخصی مراجعه به داشته‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر است. (گر، ۱۳۷۷: ۵۴) از نظر تد رابرت گر، محرومیت نسبی زمانی به وجود می‌آید که فردی چیزی را مشاهده کند که خود ندارد، اما دیگری دارد و آن فرد مایل است آن چیز را داشته باشد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۴۴) بنابراین در تعریف مفهومی، محرومیت نسبی عبارت است از: اختلاف منفی میان انتظارات مشروع و واقعیت. (گر، ۱۳۷۷: ۵۴) از نظر تد رابرت گر، هرچه امکانات پیشرفت و ارتقا در افراد و گروه‌های مرجع دیگر (گروه‌هایی که انسان خود را با آنها مقایسه می‌کند) بیشتر باشد، انتظارات بیشتر می‌شود و نوعی احساس بی‌عدالتی نسبی به وجود می‌آید. در ضمن هرچه امکان دستیابی به ارزش‌های مد نظر یا ارتقای اجتماعی کمتر باشد، محرومیت نسبی افزایش می‌یابد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۴۵) شرایط زندگی در مناطق حاشیه‌نشین سبب ایجاد شرایط فرهنگی خاصی برای افراد حاشیه‌نشین می‌شود. فقر فرهنگی و مشکلات مالی از یک سو و دیدن زندگی شهرنشینان که از امکانات امروزی بهره‌مند هستند، از سوی دیگر به ایجاد نارضایتی عمیق و گسترش محرومیت نسبی میان این قشر جامعه می‌انجامد. «هولندر» معتقد است این محرومیت زمانی اتفاق می‌افتد که مردم:

- به چیزی میل کنند که آن را ندارند.

- خود را مستحق به دست آوردن آن بدانند.

- به علت ناتوانی در تملک آن، خود را مقصر ندانند. (هولندر، ۱۳۷۸: ۳۸۳)

بدین ترتیب، اعتقاد به پیشرفت و داشتن زندگی بهتر در میان حاشیه‌نشینان و مهاجرین روستایی که برای کسب درآمد بیشتر به شهرها روی آورده‌اند، باعث می‌شود گروه‌های مرجع آنها کسانی باشند که از وضعیت بهتری برخوردارند، اما چون شرایط حاکم، امکان دستیابی به چنین موقعیت‌هایی را برای همه فراهم نمی‌کند، احساس محرومیت نسبی میان این گروه‌ها افزایش پیدا می‌کند و زمینه نارضایتی اجتماعی را میان آنها به وجود می‌آورد. به تدریج گروه مرجع میان این گروه تغییر پیدا می‌کند و به سوی اهدافی سوق می‌یابند که دستیابی به آنها ساده‌تر ولی نامشروع است. به تعبیر مرتون، تناسب میان ابزار و اهداف از بین می‌رود و این موضوع نخست، افزایش میزان محرومیت نسبی و سپس گسترش رفتارهای ناهنجار اجتماعی میان این قشر از جامعه را در پی دارد. این مسئله در نخستین نسل حاشیه‌نشینان کمتر مشاهده می‌شود، اما فرزندان این نسل در محیط شهری پرورش می‌یابند و هدف‌ها و آرزوهای شهری را جذب می‌کنند و برای تحقق آرزوهایشان نخست به فعالیت‌های غیرقانونی و سپس به کنش‌های ناهنجار روی می‌آورند. (ربانی، ۱۳۸۵: ۹۷)



بر اساس این دیدگاه، شورش و بحران‌های سیاسی هنگامی انجام می‌گیرد که مردم به این نتیجه برسند که کمتر از آنچه حقشان است، دریافت می‌کنند. از این رو، گروه‌ها و افراد برای دستیابی به حقوق و منافع بیشتر یا تسکین سرخوردگی ناشی از محرومیت به پرخاشگری و خشونت سیاسی متوسل می‌شوند. این مسئله گاهی می‌تواند هم‌چون بشکه باروت برای ایجاد آشوب‌های اجتماعی عمل کند. (برآبادی، ۱۳۸۱: ۴۹)

۲. رهیافت انتظارات - رضایتمندی

بر اساس این رهیافت، یک هدف مرجع مبتنی بر موضوعات مرجع را می‌توان بازسازی کرد. هدف مرجع مد نظر در چارچوب این رهیافت، «انتظارات-رضایتمندی» است. بر این اساس، امنیت مترادف امنیت انتظارات تلقی و شرط ثبات سیستم دانسته شده است.

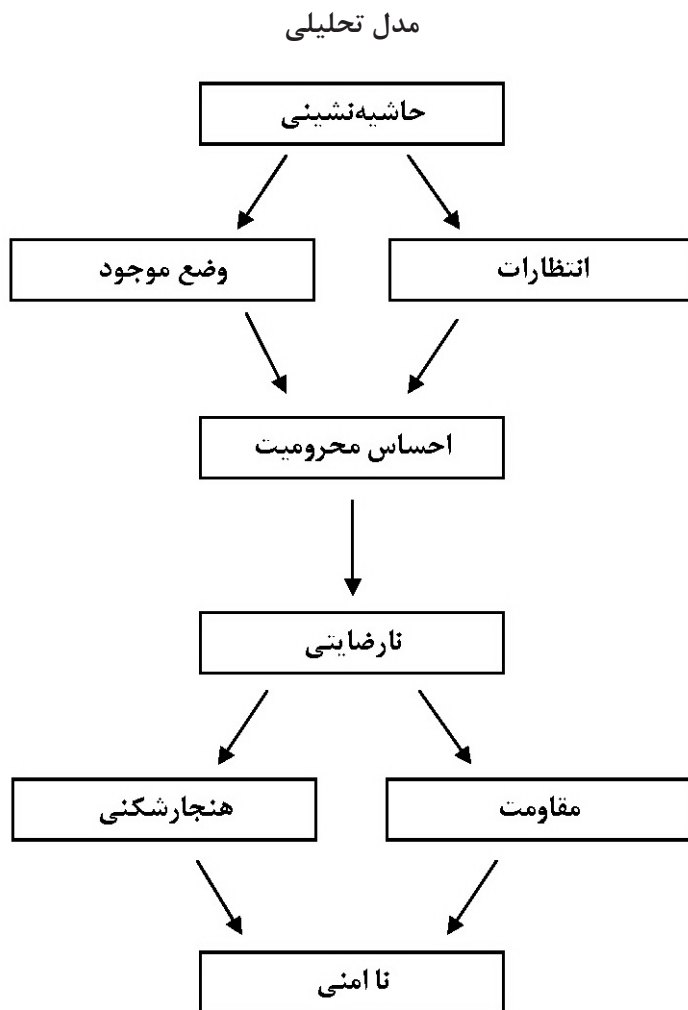
در چارچوب امنیت انتظارات، فرد در سه فضا قرار دارد: اول، فضای «داشته» یعنی توانمندی‌های مادی، موفقیت و منزلتی که در حال حاضر از آن برخوردار است. دوم، در فضای خواسته، یعنی امکانات و منزلتی که فرد به دنبال آن است که همان انتظارات می‌شود. سوم، فضای امنیتی-تهدید جامعه که حد فاصل میان فضای خواسته و داشته افراد یک جامعه را تشکیل می‌دهد. در این میان، میزان امید و ناامیدی به تحقق انتظارات را می‌توان ضریب تهدید امنیتی تلقی کرد.

بر اساس این رهیافت، هر قدر فاصله میان وضع موجود و وضعیت مورد انتظار کمتر باشد، فضای بروز نارضایتی کمتر خواهد بود و به دنبال آن، فضای تهدیدها و رشد آن نیز محدود خواهد شد؛ در حالی که گسترش فضای میان وضع موجود و وضع مورد انتظار باعث گسترش و انباشت نارضایتی‌ها می‌گردد که در اولین مرحله، خود را به صورت مقاومت نشان خواهد داد و در نهایت، موجب شکل‌گیری پدیده‌های امنیتی مانند اغتشاش، شورش، اعتصاب و مواردی از این دست خواهد شد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۱۳)

بر اساس نظریه‌های مذکور، به ویژه رهیافت‌های محرومیت نسبی و انتظارات-رضایتمندی، چارچوب نظری ذیل را می‌توان برای این نوشته ایجاد کرد: «حاشیه‌نشینی باعث می‌شود فرد حاشیه‌نشین به مرور زمان داشته‌های خود را با شهروندان بسنجد و دچار احساس محرومیت نسبی شود. پس از آن به دنبال پیگیری آن خواسته‌ها باشد، اما به دلیل محدودیت امکانات در اختیار، دسترسی به آنها را خارج از توان خود بیابد. لذا دچار نوعی نارضایتی از وضعیت موجود شود و



دست به هنجارشکنی و مقاومت در مقابل جامعه و دولت بزند که این مسئله باعث ناامنی در محیط زندگی خود و محیط شهروندان می‌گردد.» این مطلب را می‌توان به صورت مدل تحلیلی ذیل ترسیم کرد:



مدل از: مؤلف

یافته‌ها

حاشیه‌نشینی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و از زمانی پدیدار شد که جمعیت کوچرو، آسیای مرکزی، با اجازه یا بدون اجازه شاه ایران از شرق به غرب حرکت می‌کردند و در مسیر خود در اطراف شهرهای محصور در برج و بارو بیرون قلعه چادر



برپا و مدتی در آنجا زندگی می‌کردند. گاهی در صورت داشتن توان، به زور وارد قلعه می‌شدند و شهر را اشغال می‌کردند. (مشکور، ۱۳۷۵: ۱۴۱) شروع حاشیه‌نشینی در تهران به ویژه ری که در آن ایام شهر آباد و بزرگی بود، در این فرآیند قرار می‌گیرد. با این حال، آمار و ارقام دقیق و مشخصی از حجم و تعداد حاشیه‌نشینان ری و تهران در دسترس نیست. اولین آمار نسبتاً دقیق از تعداد حاشیه‌نشینان تهران به سال ۱۲۴۶ ش برمی‌گردد که عبدالغفار نجم‌الملک اولین سرشماری رسمی را در تهران انجام داد. در این زمان تعداد حاشیه‌نشینان تهران یک‌دهم سکنه شهر، حدود ۱۷ هزار نفر اعلام شد. (شیر آقایی، ۱۳۸۶)

با این حال گفته می‌شود حاشیه‌نشینی به شکل امروزی حاصل مهاجرت روستاییان به شهرهاست که نخست از تهران شروع شده است. اگرچه شروع اولین آلودگی‌ها در تهران در سال ۱۳۱۱ بوده است، گسترش آن بیشتر به ایام پس از کودتای ۲۸ مرداد، به خصوص به سال‌های پس از ۱۳۵۵ و اصلاحات ارضی مربوط می‌شود. با رشد و گسترش حاشیه‌نشینی، اقداماتی برای سر و سامان بخشیدن به آن و محدود کردن دامنه آن قبل از انقلاب انجام گرفت، ولی نتوانست رشد آن را کنترل کند. پس از ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی، تحولاتی در روابط شهر و روستا به وجود آمد که باعث تشدید مهاجرت‌های روستا به شهر و به دنبال آن رشد حاشیه‌نشینی در تهران شد؛ به طوری که در شهریور ۱۳۵۹ تعداد آلودگی‌نشینان تهران به ۱۰۴۵۰ خانوار رسید. به رغم برخی اقدامات مقطعی، رشد و گسترش حاشیه‌نشینی در این شهر همچنان روند صعودی داشته است. گفته می‌شود امروزه «بیش از سه میلیون نفر از جمعیت تهران را حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهند». البته آمار و ارقام کمتر از این نیز بیان می‌شود که یکی از آنها از قول معاون اجتماعی نیروی انتظامی است که می‌گوید: «مطابق تحقیقات انجام‌شده، در تهران بیش از ۱ تا ۲ میلیون حاشیه‌نشین وجود دارد.» آمار دیگری که بسیار خوش‌بینانه به نظر می‌رسد، مربوط به استانداری تهران برای سال ۱۳۸۶ است. طبق آمار استانداری، در سطح استان تهران ۵۶۷ هزار نفر حاشیه‌نشین وجود دارد که بیشترین میزان مربوط به شهرستان ورامین و چند شهرستان جنوب استان است و شهرستان‌های فیروزکوه، دماوند و شمیرانات، فاقد حاشیه‌نشین هستند. (روزنامه ایران، ۱۹/۷/۸۶) اگرچه آمار استانداری در مقایسه با سایر آمارها پایین است و فاقد حاشیه‌نشین بودن تعدادی از شهرستان‌ها جای شک دارد، ولی جذب بیشتر حاشیه‌نشینان به جنوب کلان‌شهر تهران نسبت به سایر جهات در سایر پژوهش‌ها نیز تأیید شده است. با توجه به اوضاع توپوگرافی تهران، گسترش حاشیه‌نشینی در این کلان‌شهر در



جهت‌های جنوب و جنوب غرب و غرب است و بیشترین میزان گسترش آن در جهت جنوب است. (کاظمیان، ۱۳۸۲: ۲۰۸) در حالی که تراکم جمعیت در این مناطق نسبتاً بالا و امکانات زندگی نیز نسبت به سایر مناطق کمتر است. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، تراکم جمعیت در شهرستان‌های اسلام شهر، رباط کریم، شهریار و پاکدشت که از کانون‌های اصلی حاشیه‌نشینی در استان تهران هستند، بسیار بالاتر از شهرستان‌های فیروزکوه، دماوند و شمیرانات است که بدون حاشیه‌نشین هستند. برعکس ضریب دسترسی به امکاناتی چون پزشک، تخت بیمارستان، تلفن و ... در مناطق دارای جمعیت حاشیه‌نشین بسیار پایین‌تر از سایر مناطق است.

جدول ۱: تراکم جمعیت، ضریب نفوذ تلفن، تعداد پزشک و تخت بیمارستان در شهرستان‌های استان تهران

ضریب نفوذ تلفن به ازای هر ۱۰۰ نفر	تخت بیمارستان (هر ۱۰ هزار نفر)	پزشک (هر ۱۰ هزار نفر)	پزشک متخصص (هر ۱۰ هزار نفر)	تراکم جمعیت	
۳۵/۲۶	۸/۹۱	۱۱/۹۶	۴/۵۸	۱۷/۳۱	فیروزکوه
۴۹/۸۵	۱۵/۳۰	۶/۴۳	۲/۹۶	۴۹/۱۰	دماوند
۲۲/۴۸	۲/۰۶	۲/۷۲	۹۵	۳۶۲/۲۳	پاکدشت
۲۳/۷۱	۶/۰۱	۱/۴۶	۵۰	۳۰۵/۸۲	ورامین
۱۱/۹۹	۰۰	۲/۴۵	۱۰	۱۴۳/۸۲	ری
۵۵/۱۰	۴۳/۲۵	۶/۰۲	۳/۹۱	۴۹۸۱/۶۹	تهران
۵۵/۱۰	۴۳/۲۵	۶/۰۲	۳/۹۱	۳۴/۴۸	شمیرانات
۲۴/۷۵	۲/۷۲	۱/۳۴	۰۰	۲۱۸۹/۵۸	اسلام شهر
۱۹/۵۶	۱/۲۴	۱/۱۷	۳۷	۱۱۱۹/۴۶	رباط کریم
۲۳/۳۴	۱/۷۹	۱/۰۱	۲۸	۷۹۲/۸۶	شهریار

منبع: آمارنامه استان تهران، سال ۱۳۸۶

همان‌طور که بیان شد، وضعیت دسترسی به امکانات در شهرستان‌های دارای حاشیه‌نشین در مقایسه با سایر مناطق پایین‌تر است، اما اوضاع مناطق حاشیه‌نشین بسیار وخیم‌تر است. برای ترسیم این وضعیت «به چند منطقه از حاشیه‌های شهر تهران نزدیکی شهریار می‌رویم. مناطق سعید آباد، خادم‌آباد، ده مویز، صادقیه، نصیرآباد و ده شاد در شرق شهرستان شهریار واقع شده‌اند و فاصله چندانی با تهران ندارند و جزء منطقه ۱۸ شهرداری تهران به حساب می‌آیند، اما گویا هنوز نه به عنوان شهر رسمیت کامل دارند نه روستا. این مناطق در خصوص مسائل



شهرداری به تهران و شهرداری باغستان وابسته‌اند و در سایر مسائل به حوزه شهریار مرتبط‌اند. اما در بعضی مناطق، شهرداری شاید هفته‌ای یک بار هم برای جمع‌آوری زباله گذری نکند. وضعیت زندگی مردم این مناطق نه به شهرنشین شباهت دارد نه روستانشین بلکه چیزی شبیه این دو است. از یک سو، ساختمان‌هایی کلنگی با شکل و شمایلی بسیار زشت و ناهمگون که در کمال ناباوری پژو پرشیا و سمند مقابل درشان پارک شده است، در مواردی متعدد مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، دختران و زنان و کودکانی را می‌توان مشاهده کرد که سوء تغذیه، عدم رعایت بهداشت فردی و وضعیت نامناسب لباس و سر و وضع ظاهری‌شان حکایت از فقر معیشتی و عدم فرهنگ شهرنشینی و حتی روستانشینی در میان آنها دارد. این موارد با مورد اولی- پژو پرشیا و سمند در منازل- به هیچ وجه هم‌خوانی ندارد و بسیار شائبه‌انگیز است... از همه مهم‌تر چون هیچ‌گونه نظارتی در ساخت‌وساز واحدهای مسکونی وجود ندارد، خیلی‌ها بعد از احداث منازل مسکونی خود، آن هم بدون مجوز قانونی، از انشعاب آب و برق محروم‌اند، و از روش‌های غیرقانونی نیازشان را برطرف می‌کنند. رعایت نشدن اصول مهندسی و معماری در ساختمان‌ها و کوچه‌ها، چهره‌ای بسیار زشت به این مناطق داده و کوچه‌ها و خانه‌ها به اندازه‌های دلخواه و فرم‌های متفاوت ساخته شده‌اند. هرچه به انتهای این محله‌ها می‌رویم، این بی‌نظمی شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد. بافت این مناطق اکثراً مختلط و غیربومی است. می‌توان گفت تماماً مهاجرند که از سایر مناطق کشور به آنجا آمده‌اند. نبود مراکز تفریحی و پارک در این مکان‌ها باعث شده است کوچه و خیابان‌های اغلب فاقد آسفالت، مملو از جمعیت به خصوص کودکانی باشد که به بازی مشغول‌اند. فقر فرهنگی، کمبود خدمات و امکانات شهری، محروم ماندن از مسائل اجتماعی و رفاهی و از همه مهم‌تر عدم تأمین امنیت ساکنان مناطق حاشیه‌ای به شکلی است که به معضلی لاینحل تبدیل شده است که عدم پای‌بندی به ضوابط و مقررات فرهنگ شهرنشینی و عدم رعایت بهداشت عمومی و رعایت نکردن حق و حقوق دیگران و همسایگان و... را به دنبال دارد. هیچ‌کس خود را متولی اصلی این مناطق نمی‌داند و هم‌چنان مردمان حاشیه‌نشین بدون متولی با هزار و یک مشکل متفاوت دست به گریبان‌اند.» (نظافتی، نشریه کیهان، ۲۰)

در همه جای تهران، داخل شهر یا خارج از محدوده آن، می‌توان این آلونک‌های به ظاهر کوچک اما بزرگ را پیدا کرد. آلونک‌هایی که گاه یک‌شبه برپا و یک هفته‌ای آب و برق و گازدار هم می‌شوند. گاهی سرعت ساخت و تجهیز این مسکن‌های نابهنجار آن‌قدر بالاست که مأموران شهرداری و فرمانداری‌ها توان



مقابله سریع با آنها را ندارند و در برخورد مجدد هم عموماً موفق به تخریب کامل نمی‌شوند. البته در مواردی تأمل در مورد بی‌بضاعت بودن خانوارها و ترس از بی‌سر و سامان شدن زنان و کودکان در هر خانواده از سوی مراجع رسیدگی مانع اجرای حکم می‌شود». (رضوانی، ۱۳۸۶)

آنها از زادگاه خود، کوچ یا مهاجرت کرده‌اند و به دلیل نامساعد بودن وضعیت اقتصادی در حاشیه شهر یا مناطق پست درون شهر دور از چشم ناظران و مدیران جامعه شهری به صورت غیررسمی ساکن شده‌اند. این گروه در گذر زمان با ایجاد تهدیدهایی مانند تحصن، بستن جاده‌ها، تجمع در مقابل مراکز قانون‌گذاری و تصمیم‌ساز، مصاحبه با شبکه‌های خبری و با تمسک به مظلوم‌نمایی و تحریک احساسات انسان‌دوستانه سکونت خود را در این مناطق رسمیت بخشیده‌اند. به دنبال آن دستگاه‌های خدمات‌رسانی مانند سازمان آب، برق، گاز، مخابرات، شهرداری و غیره به دلیل نگاه انسان‌مدارانه و احترام و کرامت انسانی و از سوی دیگر، کسب درآمد از فروش خدمات، به رغم غیررسمی بودن، به آنان خدمات داده‌اند. به رغم رضایت نسل اول از بهره‌مندی از این‌گونه خدمات، نسل دوم که بنا به استنادات سجلی متولد و ساکن شهر و شهروند تلقی می‌شوند، انتظارات و توقعات بیشتری دارند که در صورت برآورده نشدن به اعتراض مبدل خواهد شد. (جانقلی، ۱۳۸۴)

کمبودهای متعدد در زمینه‌های گوناگون موجب می‌شود که آنان از طریق همبستگی گروهی مضاعف، بسیاری از کارکردهایی را که جامعه شهری قادر به برآورده کردنش نیست، خود مرتفع سازند. پیامد آن تشکیل گروه‌ها و جریان‌ات پرشوری است که قادرند به سرعت فشارهایی به دولت و جامعه شهری وارد سازند. از طرفی، بسیاری از فعالیت‌های این قشرها که برخی به نان شب محتاج‌اند، به سوی اموری کشیده می‌شود که به سبب آسیب‌های اجتماعی کلان برای جامعه، ممنوع و غیرقانونی است. از این رو، مقاومت گروه‌های مذکور برای کسب معاش به روش غیرقانونی به پیدایش باندهایی منجر می‌شود که انواع فعالیت‌های غیرقانونی را به شبکه‌ای در هم تنیده بدل می‌سازند که نگاهی جزئی به آنان هم ممکن است وضعیت قشرهای آسیب‌پذیر مذکور را بدتر کند یا ناخواسته باعث گسترش آنها به زمینه‌های جدید و فعالیت‌های جبرانی گسترده شود. مجموعه آنها موجب می‌شود نارضایتی حاشیه‌نشینان به شکلی جمعی و در سطح اجتماعی به شکل اعتراضات گروهی و آشوب‌ها بروز کند. چنان رفتاری هنگامی که به شخصیتی در افراد بدل شد، وندالیسم اجتماعی مربوط به آن را پدید می‌آورد و گروه‌هایی را شکل می‌دهد که تنها راه درست هر چیز را در خراب کردن و از بین بردن و از بین بردن آن



می‌بینند. در این شرایط اجتماعی، جوانان حاشیه‌نشین هرچه بیشتر خود را با چنان اخلاق، منش و نگرش و باورهای غالب حاشیه‌نشینی همراه می‌سازند و جامعه‌پذیر می‌شوند، زیرا حامی‌ای جز آنان برای پاداش نگرش‌ها و رفتارهایشان نمی‌یابند. بدین ترتیب، یکی از مسائل مهمی که حاشیه‌نشینی برای شهرهای بزرگ به وجود می‌آورد، تهدیدهای امنیتی است. به طور کلی به علت ساختار مناطق حاشیه‌ای، گروه‌ها و باندهای مافیایی با حضور در آنجا می‌توانند به فعالیت‌های ناپه‌نجا خود بپردازند. (ناظری، ۱۳۸۲)

حاشیه‌نشینی علاوه بر اینکه برای خود حاشیه‌نشین‌ها ایجاد ناامنی می‌کند، باعث ناامنی‌هایی در کلان‌شهر تهران می‌شود. حاشیه‌نشینی به رغم گسست کالبدی با متن شهر، دارای پیوستگی عملکردی است؛ چون از یک سو، حاشیه امنی برای بزهکاران و گروه‌های شبه‌مافیایی و کانون‌های توزیع و هدف مواد مخدر است و از سوی دیگر، حاشیه ناامنی برای متن شهر و شهروندان ساکنان آن به وجود می‌آورد. براساس تحقیقات انجام‌شده، ۷۰ درصد جرایم شهری را حاشیه‌نشینان انجام می‌دهند. تكدی‌گری، خرده‌فروشی مواد مخدر، خودفروشی، کودکان خیابانی و سایر بزهکاری‌ها محصولات اولیه حاشیه‌نشینی هستند (ابهری، ۱۳۸۷) که به داخل شهر کشیده می‌شوند. طبق تحقیقات انجام‌شده، از هر سه قتلی که در تهران اتفاق می‌افتد، دو مورد توسط افراد حاشیه‌نشین صورت می‌گیرد که از نمونه‌های بارز آن می‌توان به فجایع پاکدشت، قتل‌های عنکبوتی مشهد، خاک سفید و... اشاره کرد. مسئله پاکدشت یکی از این موارد بود که در سال ۱۳۷۳ نه تنها کلان‌شهر تهران بلکه جامعه ایران را تکان داد و باعث توجه ویژه مسئولان به حاشیه‌نشینی و مسائل آن شد.

به رغم ایجاد بسیاری از ناامنی‌های اجتماعی توسط حاشیه‌نشینان، کمبود امکانات زندگی و احساس محرومیت نسبی و نارضایتی در حاشیه‌ها هنوز مسائل حادی برای پایتخت ایجاد نکرده است، اما می‌توان پیش‌بینی کرد این مناطق و شهرک‌های پیرامون تهران پایتخت را با معضلات جدی روبه‌رو خواهند کرد (برادران، ۱۳۸۶) معضلاتی همانند قضیه اسلام شهر و اکبرآباد در سال ۱۳۷۳ به دلیل مسئله کمبود آب. در این هنگام دیگر جنس تهدیدها نه فقط اجتماعی، بلکه غالباً سیاسی-امنیتی خواهد بود.

نتیجه

از یافته‌های این تحقیق می‌توان چنین نتیجه گرفت که گرچه حاشیه‌نشینی در ایران سابقه زیادی دارد، آغاز شکل امروزی آن به سال ۱۳۱۱ برمی‌گردد و گسترش



آن بیشتر به ایام بعد از کودتای ۲۸ مرداد به خصوص به سال‌های پس از ۱۳۵۵ و اصلاحات ارضی مربوط است و از کلان‌شهر تهران آغاز شده است. با آنکه در آغاز روند حاشیه‌نشینی کند بود، در فرآیند زمان بر شدت آن افزوده شده است. به رغم برخی اقدامات قبل و بعد از انقلاب، نه تنها از شدت گسترش آن کاسته نشده، بلکه در مقطعی تشدید شده است. دلایل این تشدید متعدد است که اهم آنها عبارت‌اند از:

۱. مهاجرت رو به افزایش روستاییان به دلیل نامساعد بودن وضعیت اقتصادی و اسکان آنها در حاشیه شهر یا مناطق پست درون شهر دور از چشم ناظران و مدیران جامعه شهری به صورت غیررسمی؛

۲. رسمیت بخشیدن این گروه به سکونت خود در گذر زمان با ایجاد تهدیدهایی مانند تحصن، بستن جاده‌ها، تجمع در مقابل مراکز قانون‌گذاری و تصمیم‌ساز، مصاحبه با شبکه‌های خبری و با تمسک به مظلوم‌نمایی و تحریک احساسات انسان‌دوستانه؛

۳. به دنبال آن ارائه خدمات توسط برخی دستگاه‌های خدمات‌رسانی مانند سازمان آب، برق، گاز، مخابرات، شهرداری و غیره به دلیل نگاه انسان‌مدارانه و احترام و کرامت انسانی و از سوی دیگر، کسب درآمد از فروش خدمات به رغم غیررسمی بودن.

همان‌طور که بیان شد، بیشتر این حاشیه‌نشینان در مناطق جنوبی، جنوب شرق و جنوب غرب کلان‌شهر تهران جذب شده‌اند که در مقایسه با سایر مناطق تراکم بالا و امکانات زندگی پایین‌تری دارند. وضعیت خود مناطق حاشیه‌نشین نیز بسیار نامطلوب‌تر از شرایط عمومی منطقه جذب آنهاست.

با وجود دریافت غیررسمی و رسمی برخی امکانات، نسل اول کم و بیش از شرایط زندگی در این مناطق راضی هستند، ولی نسل دوم که خود را متولد تهران می‌دانند با مقایسه شرایط زندگی خود با گروه مرجع (شهروندان تهرانی)، دچار احساس محرومیت نسبی می‌شوند و به دنبال رفع آن هستند. چون بین خواسته‌ها و امکانات رسیدن به آن فاصله زیادی می‌بینند، دسترسی به آنها را از راه‌های غیرقانونی دنبال می‌کنند. بنابراین گروه مرجع خود را از شهروندان تهرانی تغییر می‌دهند و متوجه گروه‌های به ظاهر موفق مجاور خود می‌کنند که متشکل از قاچاقچیان مواد مخدر و غیره هستند. همان‌هایی که در کنار منازل غیراستاندارد خود ماشین‌های مدل بالا و گران‌قیمت پارک می‌کنند. بدین ترتیب، نسل دوم شروع به هنجارشکنی می‌کنند و رو به خلاف می‌آورند. از آنجا که در این مناطق حضور نیروهای انتظامی بسیار کم‌رنگ یا بی‌رنگ است، دامنه فعالیت خود را



گسترش می‌دهند و به سطح کلان‌شهر تهران می‌کشانند. طبق آمارها، آنان حدود ۷۰ درصد جرایم به وقوع پیوسته در این شهر را به خود اختصاص داده‌اند. از طرفی این محل‌های امن باعث جذب سایر بزه‌کاران و تبهکاران شده، به طوری که بسیاری از ساکنان این محل‌ها از وضعیت حاکم، احساس ناامنی می‌کنند. گروه‌های مرجع ثانوی و ذی‌نفوذ این مناطق که عمدتاً از خلافکاران هستند، هر نوع تغییر و تحول در این مناطق توسط سازمانهای دولتی را به ضرر خود می‌دانند و مردم را در مقابل آنها قرار می‌دهند که گاه به مسائل امنیتی-سیاسی می‌انجامد.

در خاتمه می‌توان گفت کلان‌شهر تهران که کانون برترین ارزش‌های فرهنگ معنوی و مادی کشور و مرکز مهم فعالیت، فرصت‌های اجتماعی، انباشت سرمایه و نخبگان است و سهم بسزایی در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارد، گرفتار گستاخانه‌ترین بزهکاری‌ها، جرایم، تبهکاری‌ها و نابهنجاری‌های اخلاقی و مفسد اجتماعی و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر است که تا حد زیادی از ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و رشد شخصیت انسان‌ها جلوگیری می‌کند که بخش عمده‌ای از آن منشأ حاشیه‌نشینی دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

۱. با سرمایه‌گذاری در مبدأ، مهاجرت به کلان‌شهر تهران تنظیم و کنترل گردد.
۲. مناطق حاشیه‌نشین در اولویت مهاجرت معکوس از کلان‌شهر تهران قرار گیرد.

۳. دامنه فعالیت نیروهای انتظامی و امنیتی در این مناطق گسترش یابد.

۴. برای جلوگیری از بروز ناامنی‌های سیاسی و بهره‌برداری گروه‌های فرصت‌طلب از فضا، از تخریب فیزیکی و بدون برنامه این مناطق جلوگیری شود.

- ابهری، مجید (۱۳۸۷): <http://www.mehrnews.ir/NewsPrint.aspx>
- اوبرای، ا. اس (۱۳۷۰)، مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- ایران، ۸۳/۳/۲.
- برآبادی، محمود (۱۳۸۱)، «حاشیه‌نشینی به قدمت شهرنشینی»، ماهنامه شهرداری‌ها، س ۴، ش ۴۵.
- برادران (۱۳۸۶): <http://www.sharghnewspaper.ir/Released>
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و حسین رجبی‌سناجردی (۱۳۸۲)، نظریه‌های شهر و پیرامون آن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- تدبیر (ماهنامه علمی-آموزشی)، ش ۱۵۲، دی ۱۳۸۳.
- جانقلی، محمد (۱۳۸۴)، «حاشیه‌نشینی مشکل تهران و کلان‌شهرهای ایران»، نشریه حمایت، هشتم تیر.
- حاتمی، نادر (۱۳۸۷)، «حاشیه‌نشینی و معضل بزهکاری»، ماهنامه اصلاح و تربیت، س ۷، ش ۷۲، فروردین.
- حاتمی‌نژاد، حسین، ماهنامه شهرداری‌ها، ش ۵۰.
- حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۷۰)، «حاشیه‌نشینی در جست‌وجوی معنی و مفهوم»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۴۶ - ۴۵.
- حسینی، محمدرضا (۱۳۸۴)، بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- خوب آیند، سعید (۱۳۸۴)، تحلیل فضایی علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر اصفهان، پایان‌نامه دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- دراکاکیس اسمیت، دیوید (۱۳۷۷)، «هر جهان سومی»، ترجمه فیروز جمالی، نشریه توسعه.
- دری نجف‌آبادی، قربانعلی (۱۳۸۳)، «راهکارهای امنیت اجتماعی و حاشیه‌نشینی»، نشریه حمایت، ۱ و ۲ شهریور.
- ربانی، رسول و دیگران (۱۳۸۵)، «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله



- حاشیه‌نشینان و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز»، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان.
- رضوانی، ابراهیم (۱۳۸۶)، «آلونک‌نشینان حاشیه تهران را دریابید»، نشریه مردم‌سالاری، ۱۷ آذر.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد، تهران: انتشارات علمی.
- زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۶۹)، حاشیه‌نشینان، چاپ اول انتشارات دانشگاه شیراز.
- شیرآقایی، نگین (۱۳۸۶)، «زندگی حاشیه‌ای در متن تهران»، نشریه اعتماد، ۱۱ مرداد.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- فریدمن، جان و مایک داگلاس (۱۳۶۳)، توسعه روستا-شهر، ترجمه عزیز کیاوند، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- کارگر، بهمن (۱۳۸۳)، امنیت شهری، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول.
- کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۲)، نظام اسکان در حاشیه جنوبی شهر تهران، تحولات و چشم‌اندازها، حاشیه‌نشینان و اسکان غیررسمی (مجموعه مقالات)، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، جلد ۲.
- گر، تد رابرت (۱۳۷۷)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ترجمه علی مرشدزاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ معین.
- ممتاز، فرید (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ناظری، مهرداد (۱۳۸۲)، «نگاهی به معضلات حاشیه‌نشینان در ایران»، همبستگی، ۱۰ اسفند.
- نضافتی، ایرج، «بحران حاشیه‌نشینان در شهرهای بزرگ»، کیهان، ش ۲۰.
- هاروی، دیوید (۱۳۷۰)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- هولندر، ادوین پل (۱۳۷۸)، روان‌شناسی اجتماعی: رهبری و قدرت تأثیر ارتباط جمعی بر افکار عمومی و فعالیت سیاسی، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: نشر شرکت به نشر.

- Hari, Srivinas (2004), «Defining Squatter Settlement», available at: <http://www.gdrc.org/uem/define-squatter.html>